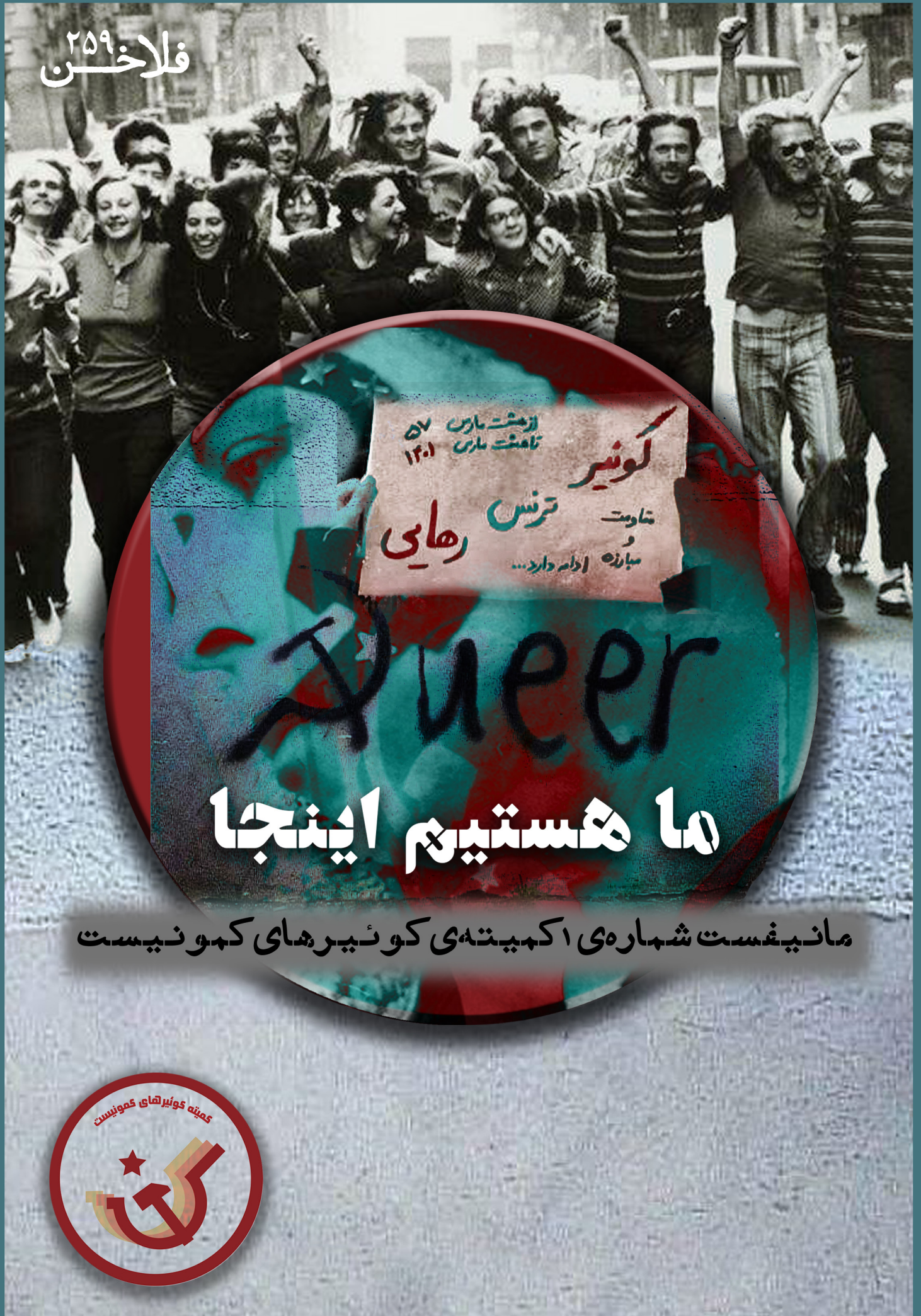


فلاخن ۲۵۹



کونیر
تفاوت و مبارزه ادامه دارد...
ترس رهای

از پشت مارن ۵۷
تا پشت مارن ۱۴۰۱

ما هستیم اینجا

مانیفست شماره ۱ کمپته‌ی کوئیرهای کهو نیست



فلاخن

شماره ۲۵۹

ما هستیم اینجا

مانیفست شماره ۱ کمیته‌ی کونفرهای کهن نیست

منبع

ما هستیم، اینجا

کوئیر، مبارز

اینجا یعنی کوچه و خیابانی که در آن قدم می‌زنید، یعنی کارخانه و کارگاه، یعنی مدرسه و دانشگاه، یعنی بزرگ‌ترین شهرها و کوچک‌ترین روستاها. ما کوئیرها همه‌جا هستیم و این مانیفست کمیته‌ی کوئیرهای انقلابی است برای روشن کردن خطوط و سازماندهی مبارزه و آغاز تغییری بنیادین در شیوه‌ی تعریف و بازپس‌گیری قدرت در تمامی ساختارهایی که به دنبال ساکت کردن‌مان هستند، چه با زندان، شکنجه و اعدام و چه با سر خم کردن در مقابل حقوق بشری که هرازچندگاهی ذره‌ای از آن را به سمت‌مان پرتاب می‌کنید. در سال‌های گذشته، شعار «کوئیر، ترنس، رهایی» مان را که بر دیوارهای شهرها نوشتیم دیده‌اید. تصاویر بوسه‌هایمان در بزرگ‌ترین میدان‌های شهر را که در فضای مجازی دست به دست شد تماشا کرده‌اید و شعار «نان کار آزادی/ کوئیر، ترنس، رهایی» به گوشتان خورده است. فریادهایی که نه تنها حکومت استبدادی مذهبی نئولیبرالی جمهوری اسلامی را، بلکه بنیان‌های اجتماعی نرمال‌شده‌ی ضدکوئیر را به لرزه انداخت. بله! این بار به پشتوانه‌ی سال‌ها مبارزه، با تکیه بر اندوخته‌های رفقایمان در دی ۹۶، آبان ۹۸، مقاومت هم‌رنج‌هایمان در خوزستان و بلوچستان و کردستان، اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان، تلاش‌های هم‌رزم‌هایمان در جنبش‌های زنان و کوئیر و با کوله‌باری از آموخته‌هایمان در طول خیزش ژینا، با قدم‌هایی استوارتر از پیش به میدان آمده‌ایم.

چگونه خودمان را معرفی می‌کنیم؟

ما، جمعی از کوئیرهای داخل و خارج از ایران در «کمیته‌ی کوئیرهای کمونیست» گرد هم آمده‌ایم تا خطوط

اتصال بین بدن‌هایی که از هم دور افتاده‌اند برقرار کنیم و صدایمان را رساتر از پیش به گوش‌تان برسانیم. ما باور داریم که رهایی کوئیرها تنیده در تار و پود رهایی زنان، کارگران، مهاجران، معلولان و همه‌ی به‌حاشیه‌رانده‌شدگان در نظام سرمایه‌داری است، که پایه‌هایش را در زمین مردسالاری/پدرسالاری هترونوماتیو و بایناری (دوگانه‌ی زن/مرد) محکم کرده است. سرکوب ساختاری کوئیرها در نظام سرمایه به منظور حراست از خانواده‌ی هسته‌ای پدرسالارانه است، که از ابتدای شکل‌گیری استعمارگری سرمایه‌دارانه به عنوان حافظ اصلی نفس مالکیت خصوصی و بقای آن با تضمین تامین بی‌نهایت نیروی کار و تولید ارزش افزوده صورت می‌گیرد. این سرکوب سیستماتیک موفق نمی‌شود مگر با بهره‌گیری از ساختارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی‌ای که بقایشان به بقای سرمایه وابسته است. ستم جنسی/جنسیتی همچون ستم ملی، ستم طبقاتی و ستم زیست‌محیطی برای حفاظت از بورژوازی و بقا و استحکام سرمایه‌داری اعمال می‌شود و این ستم‌ها باقی خواهد بود و سرکوب متوقف نخواهد شد مگر با جایگزینی این سیستم با کمونیسمی که امکان بروز شکل‌های متنوع واحدهای اجتماعی، شیوه‌های مختلف میل‌ورزی و خوانشی فراانحصاری از بدن‌ها را فراهم سازد.

چرا کوئیر-کمونیسم؟

ماتریالیسم تاریخی به ما می‌آموزد که شکل‌گیری تاریخی سکسوالیته و جنسیت در شکل کنونی تحت تاثیر نظام سرمایه و در رابطه‌ی دیالکتیکی با مدرنیته قرار داشته است. از خلال این رویکرد است که می‌توانیم به روابط قدرت و عوامل بروز آن در جامعه احاطه‌ی درستی داشته باشیم و آن را تحلیل کنیم. سکسوالیته در جامعه‌ی سرمایه‌داری مردسالار به عنوان ابزار اعمال قدرت عمل می‌کند. سرمایه‌داری با تولید سوژه‌های جنسی و جنسیتی‌ای که تنها در نسبت با محدوده‌ی هترونوماتیویتی سنجیده می‌شوند، هرآنچه را که خارج از این محدوده و در تضاد با آن قرار بگیرد سرکوب می‌کند.

ساختارهای فعال در نظام سرمایه‌داری نه تنها افراد کوئیر را به حاشیه رانده و به انزوای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دچار می‌سازند، بلکه خشونت خانگی، تعرض و تجاوز جنسی، بی‌کاری و بی‌خانمانی را بر سرشان آوار می‌کنند. کمونیسم کوئیر خاطر نشان می‌کند که قدرت تنها از طریق زور و اجبار مستقیم (سیستماتیک) اعمال نمی‌شود، بلکه از خلال تاثیرات متقابل روابط ساختاری بین دولت، خانواده و نهادهای اجتماعی نیز افراد را سرکوب می‌کند. تعهد کوئیر-کمونیسم به تغییر رادیکال در چنین ساختار اجتماعی‌ای در تقابل با خوانش‌های

لیبرال است که هوموفوبیا و ترنس فوبیا را عارضه‌های صرفاً فرهنگی می‌دانند. تقلیل‌گرایی هویتی نئولیبرالی تنها سد رهایی بدن‌ها را ارتجاع سنت می‌داند و با نادیده گرفتن عوامل ساختاری سرکوب، کوئیر را به سبک زندگی تقلیل می‌دهد و با تمرکز بر توانمندسازی و ارائه‌ی تصویر مثبت فردی از افراد این جامعه، آن‌ها را روانه‌ی بازار کار می‌کند و از آن‌ها بهره می‌کشد تا زمانی که این افراد، در هیات مصرف‌کنندگان منفعل اقتصاد صورتی و نیروی کار مطیع باقی بمانند و بدین ترتیب فضای مناسبی برای ظهور گرایش‌های اصلاح‌طلبانه فراهم می‌کند.

ما موظفیم که به سوال‌های اساسی در باب مالکیت خصوصی، شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری، رابطه‌ی این دو با نظام خانوادگی هسته‌ای مردسالار و سرکوب کوئیرها پاسخ دهیم و این میسر نمی‌شود مگر متأثر از مارکسیسم. نیکولا فیلد می‌نویسد: «تمام "مسائل لژیون‌ها و گی‌ها" در سیاست مبارزه‌ی طبقاتی ریشه دارند. هنگامی که رهبران جاه‌طلب و بورژوازی جامعه به دنبال جدا کردن این مسائل از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌تر هستند، جنبش گی‌ها و لژیون‌ها تحلیل می‌رود». جنبش کوئیر بدون در نظر گرفتن این ارتباط ضعیف می‌شود زیرا ریشه‌ی سرکوب پدرسالارانه‌ی کوئیرها در خانوادگی بورژوا نهفته است. در حالی که خانوادگی بورژوا اساس مالکیت خصوصی و ارث‌بری آن را شکل می‌دهد، خانوادگی پرولتر کارکردی جز تأمین نیروی بازتولید کار ندارد. در چنین ساختاری کوئیر بورژوا هرچند ممکن است سرکوب را تجربه کند، اما با محافظت از مالکیت خصوصی به پایداری نظامی کمک می‌رساند که عامل سرکوبش است. این در حالی است که کوئیر پرولتر تماماً متمرکز بر بازتولید نیروی کار و تولید ارزش برای سرمایه‌داران است و حتا ماهیت وجودی‌اش در تضاد با نظام سرمایه‌داری قرار دارد. در عین حال فرصتی برای سازمان‌دهی و مبارزه با بنیان ساختاری که او را به سلطه گرفته است ندارد. اینجاست که اولاً به عنوان نیروی کار استثمار شده و ثانیاً به عنوان کوئیر نامرئی می‌شود و تحت ستم مضاعف قرار می‌گیرد.

چرا سیاست هویت را نقد می‌کنیم؟

کمونیسم به ما می‌آموزد که به جای تأکید بر سیاست هویت می‌توانیم راه‌کارهایی برای همبستگی جمعی و شیوه‌های مبارزه‌ی مستمر و ایجابی فراهم کنیم. کوئیر نمی‌تواند در دام توضیح‌گرایی‌ها و هویت‌ها گیر بیفتد و تنها به آن محدود شود، چرا که توضیح مسائل با چنین رویکردی نه تنها رهایی‌بخش نیست، بلکه سیستم‌های کنترل‌گر را بازتولید می‌کند و به جداسازی گروه‌های مختلف منجر می‌شود. نظام سرمایه‌داری توانسته است با مرتبط دانستن محرومیت‌ها و هویت‌ها و نتیجه‌گیری اخلاقی-سیاسی از آن توجیه‌گر سیستم اجتماعی-اقتصادی

ناعادلانهی توزیع کالاها و امتیازات بر مبنای سیاست هویتی باشد، سیاستی که یک هویت را عادی و دیگری را انحرافی می‌بیند. رجوع به تاریخ جنسیت از منظر طبقاتی به ما نشان می‌دهد که پُررنگ‌سازی هویت‌ها و گرایش‌های متضاد به شکل هژمون‌یافته‌ی امروز همچون تاکید بر تقابل همجنس‌گرا/دگرجنس‌گرا، ریشه در اضطراب بورژوازی برای کنترل کارگران، زنان و مهاجران دارد و در نتیجه‌ی اضطراب جنسی/جنسیتی در محیط کار و نهاد خانواده و با هدف کنترل این گروه‌ها در دوران تثبیت سرمایه‌داری در اروپا و آمریکا گسترش یافته است.

پس‌اساختارگرایی هم در تحلیل و مطالعه‌ی کوئیر تنها حول محور تضاد جنس و جنسیت، از مارکسیسم دور می‌شود. هرچند تحلیل و تبیین پس‌اساختارگراها از جنسیت، تاثیر طبقه را در ساخت جنس‌ها و جنسیت‌ها نادیده نمی‌گیرد، اما همچون اغلب گرایش‌های اینترسکشنال امروز، منکر مرکزیت تضاد طبقاتی در مطالعات جنسیت و تجربه‌ی زیسته‌ی کوئیرها می‌شود. ما در اینجا به دنبال سازماندهی جمع‌های پویایی هستیم که فراتر از گرایش‌های جنسی بیندیشند، کوئیر را از قید و بندهای سیاست هویت رها سازند، تضاد جنسی/جنسیتی را از دریچه‌ی تضاد کار و سرمایه مورد مطالعه قرار دهند و در حالیکه ویژگی‌های بومی را نادیده نمی‌گیرند، مبارزه‌ی انترناسیونال و همبستگی ستم‌دیدگان جهان را دنبال کنند و وجوه انقلابی کوئیر را پُررنگ‌تر سازند.

چرا بازگشت به ریشه‌های انقلابی‌مان را یک ضرورت می‌دانیم؟

ما اینجا هستیم تا برای ایجاد تغییری رادیکال، دست در دست همه‌ی جان‌به‌لب‌رسیدگان برای انقلاب سازماندهی کنیم زیرا همچون مبارز بزرگ و رهبر پلنگ‌های سیاه، هوی پی نیوتون، باور داریم که «هم‌جنس‌گرا (بخوانید کوئیر) می‌تواند انقلابی‌ترین باشد». آنچه به آن افتخار می‌کنیم پرچم رنگین‌کمان نیست، بلکه مشتهای گره‌کرده‌مان برای انقلابی‌ست که رهایی مردم تحت ستم را نوید می‌دهد. ما باور داریم سرکوب سیستماتیک که هر روز تجربه می‌کنیم ریشه در جامعه‌ی طبقاتی‌ای دارد که گروه‌های زیردستان را به استثمار فرادستان درمی‌آورد و آگاهیم که این سرکوب با رنگ و لعاب زدن راست‌ها به تبعیض‌هایی که هر روز تجربه می‌کنیم و زیباسازی رنجمان از بین نمی‌رود. ما مدام به خودمان یادآوری می‌کنیم که آنچه امروز به عنوان رژه‌ی افتخار¹ در دنیا بر پا می‌شود، ریشه در شورش استون‌وال، رادیکالیسم جبهه‌ی کوئیرهای انقلابی فرانسه، جبهه‌ی آزادی‌بخش هم‌جنس‌گرایان و جریان‌های دیگر دارد که فرسنگ‌ها از فستیوال تحت کنترلی که حالا شاهدش هستیم فاصله دارند. هرچند

1- Pride parade

در بسیاری نقاط زمین همین پایکوبی هم از ما دریغ شده و به کلی نامرئی شده‌ایم، اما ما اجازه نمی‌دهیم که تاریخمان بین جشن و سرور راست‌گرایان تحریف و مبارزه‌مان به واکنش‌های موقتی محدود شود. از قول رفیقمان، پدرو لمبل می‌گوییم که ما «به این رقص دموکراتیک مظنونیم». ما هم خواهیم رقصید اما همه با هم و روی زمینی که نان، کار، آزادی و عدالت بر آن جاریست و به دست مردم اداره می‌شود.

در آخر اینکه ما با همراهی رفقایمان قوی‌تر می‌شویم، بنابراین از پیوستن افراد و گروه‌های انقلابی استقبال می‌کنیم و فقط به پشتوانه‌ی این نیروها است که می‌توانیم تعاریف و نقش‌های کلیشه‌ای که بر بدن‌ها تحمیل می‌شود را نابود سازیم. ما دست در دست رفقایمان در مقابل آنچه از سمت جامعه به عنوان «امر نرمال» تلقی می‌شود، با «غیرنرمال» بودتمان می‌ایستیم و با شجاعت فریاد می‌زنیم ما اینجا هستیم، ما کوئیریم و در حالیکه ظالمان گل مرگ می‌کارند، ما خود زندگی هستیم. ما خود مقاومتیم.

برای تماس با «کمیته‌ی کوئیرهای کمونیست» می‌توانید به این ایمیل پیغام دهید:

Komitequeercommunist@gmail.com

اردیبهشت ۱۴۰۳ | نسخه‌ی ورد



منڙپوڻ
Manjanigh

